گالری

مرغ میناهای کنجکاو

عکس از: میثم دهقانی

رفقا سلام!
سلام و هزاران سلام به رفقای جوانه که این روزها یک خط در میان تعطیل می‌شین و خونه هستین. حواستون به درس و مشق‌تون هم هست؟ این تعطیلی‌ها یه فرصت خوب برای تمرین بیشتره. سعی کنین در کنار تفریح، بهشون برسین.

شماره پیامک ۲۰۰۰۹۹۹
شماره تلگرام ۰۹۳۰۵۴۳۹۴۵۷۶
تلفن تحریریه ۰۵۱۳۷۶۳۴۰۰۰

اطلاعات عمومی

یخچال‌هایی به اندازه یک کشور!

یخچال‌های قطبی یکی از شگفت‌انگیزترین پدیده‌های طبیعی روی زمین هستند. این یخچال‌ها یک جورهایی به عنوان بزرگ‌ترین محل‌های ذخیره یخ به‌ویژه در قطب شمال و جنوب هستند و تاثیر زیادی روی محیط زیست و اقلیم زمین دارند و همچنین یخچال‌های قطبی به عنوان یکی از مهم‌ترین منابع آب شیرین در کره زمین شناخته می‌شوند. اما این یخچال‌ها چطور شکل می‌گیرند و چرا اهمیت دارند؟

چطور شکل می‌گیرند؟

وقتی برف و یخ‌ها روی هم جمع می‌شوند و سال‌ها این اتفاق تکرار می‌شود پروژه تشکیل یخچال‌های قطبی کلید می‌خورد. در مناطق بارش برف می‌توانند نسبت به تابش خورشید به گونه‌ای باشد که برف‌های قدیمی هرگز ذوب نشوند. در فصل‌های سرد سال، برف جدید روی برف‌های قدیمی می‌نشیند و با فشرده شدن، کم کم به یخ تبدیل می‌شود. این فشردگی باعث می‌شود که برف به لایه‌های یخی ضخیم تبدیل شود. به طور کلی، یخچال‌های قطبی در ناحیه‌هایی با دماهای بسیار پایین تشکیل می‌شوند. دما در این مناطق به قدری پایین است که برف و یخ به سادگی ذوب نمی‌شود. با گذشت زمان، این لایه‌ها در برخی نقاط می‌توانند به شدت ضخیم شوند و یخچال‌های بزرگ و عظیمی را به وجود آورند که حتی می‌توانند به اندازه یک کشور باشند!

یخ‌ها می‌شکنند

یخچال‌های قطبی نه تنها بزرگ و زیبا هستند، بلکه معمولاً شامل لایه‌های مختلف یخی و برفی می‌شوند. در این یخچال‌ها، لایه‌های قدیمی‌تر یخ به رنگ آبی درمی‌آیند، زیرا به دلیل فشرده شدن زیاد، حباب‌های هوا در آن‌ها کمتر شده و نور به شکل دیگری منعکس می‌شود. همچنین یخچال‌ها به‌طور معمول لبه‌های معلق یا یخ‌های شناور دارند که می‌توانند شکسته شوند و به دریا بریزند که به این فرایند «شکستن یخ» گفته می‌شود. شاید این تکه‌یخ‌ها را در مستندها وقتی که پنگوئن‌ها یا خرس‌های قطبی روی آن شناور هستند، دیده باشید.

چرا اهمیت دارند؟

یخچال‌های قطبی به دلایل مختلف بسیار مهم هستند. آن‌ها نقش کلیدی در کنترل دمای زمین دارند.

۱ یخ‌ها به نور خورشید اجازه نمی‌دهند که به زمین برسند و در نتیجه دمای کره زمین را پایین نگه می‌دارند.

۲ این یخچال‌ها به عنوان یک منبع آب تازه عمل می‌کنند. وقتی یخ‌ها ذوب می‌شوند، آب حاصل به دریاها و رودخانه‌ها می‌ریزد و می‌تواند آب مورد نیاز موجودات زنده را تامین کند.

با این حال، یخچال‌های قطبی در حال حاضر با چالش‌های جدی روبه‌رو هستند. تغییرات اقلیمی باعث گرم شدن دما در این مناطق شده و یخ‌ها به سرعت در حال ذوب شدن هستند. این ذوب شدن می‌تواند باعث افزایش سطح دریاها شود و به زندگی موجودات زنده و انسان‌ها آسیب بزند. در نهایت این یخچال‌ها علاوه بر این که یکی از جاذبه‌های طبیعی شگفت‌انگیز زمین هستند باید به خوبی نگهداری شوند تا نسل‌های بعدی هم بتوانند از آن استفاده کنند. حفظ این یخچال‌های قطبی نه تنها برای حفظ اکوسیستم زمین ضروری است، بلکه برای آینده کره زمین نیز حیاتی است.

کلاس زبان

متضاد

Generous
بخشنده/دست‌ودلباز

مثال:
She is very generous and always shares her toys with others.

ترجمه: او بسیار دست‌ودلباز است و همیشه اسباب‌بازی‌هایش را با دیگران تقسیم می‌کند.

Stingy
خسیس

مثال:
He is so stingy that he never buys snacks for his friends.

ترجمه: او آن‌قدر خسیس است که هرگز برای دوستانش تنقلات نمی‌خرد.

مسیر

از شاهنامه‌خوانی تا صبوری برای دوبله در نقش بزرگ‌سال

در دوران نوجوانی چه چیزهایی چهره‌های دوبله معروف کشورمان مانند مرحوم منوچهر والی‌زاده و زهره شکوفنده را به دوبلورهای موفق تبدیل کرد؟

اکرم انتصاری | روزنامه‌نگار

دوبلورها مدت زیادی هم‌بازی نقش‌ها هستند و با دوبله دقیق و جذاب کاری می‌کنند که یک فیلم، سریال یا پویانمایی خارجی برایمان جذاب و قابل درک شود. می‌دانیم که صدای خوب برای دوبلور شدن بسیار موثر است اما مسائل دیگری هم وجود دارد که می‌تواند مسیر دوبلور شدن را تغییر دهد. به سراغ گفت‌وگوهای قدیمی دو دوبلور معروف کشورمان زهره شکوفنده و مرحوم منوچهر والی‌زاده که به تازگی فوت کردند، رفتیم تا بدانیم چه چیزی به آن‌ها در مسیر دوبله کمک کرده است.

شاهنامه را بلندبلند بخوانید تا صدای‌تان باز شود

مرحوم منوچهر والی‌زاده

در دنیای دوبله اسم منوچهر والی‌زاده را زیاد شنیده‌ایم. صدای او را حتما با پویانمایی‌های لوک خوش‌شانس، گارفیلد یا سریال شرلوک هلمز به خاطر می‌آورید. والی‌زاده بیشتر دوران کودکی و نوجوانی خود را مقابل سینمای محل زندگی‌اش در خیابان لاله‌زار گذرانده و آن‌طور که خود اشاره می‌کند از پادویی به گویندگی تبلیغاتی فیلم‌ها در گیشه رسیده است.

البته او در مصاحبه‌هایش همیشه می‌گفت که پایانی برای این راه وجود ندارد و همیشه در حال یادگرفتن است. خودش روزهای کاری‌اش را این‌طور تعریف کرده است: «سال‌هاست که ساعت ۴ صبح از خواب بیدار می‌شوم، بدون استثنا یک سیب می‌خورم، نرمش می‌کنم و بعد پشت میکروفون می‌آیم. همه این‌ها هم برای این است که سرحال به سر کارم بیایم. وقتی قرار است نقش اول فیلم را بگویم باید حواسم باشد که گوینده‌های دیگری هم در کنار من هستند. اگر من کارم را بد انجام بدهم و نقشم را بد ایفا کنم، روی کار آن‌ها هم تاثیر بد خواهد داشت. ما صبح که سر کار می‌رویم نمی‌دانیم چه فیلمی را باید دوبله کنیم. ممکن است روزی که به واحد دوبلاژ می‌رویم، فیلم هندی مقابل‌مان بگذارند. به هر حال این کار ماست. یک بار در برنامه‌ای در سفارت کره جنوبی به خاطر دوبله سریال «جواهری در قصر» سفیر کره را کنار کشیدم و به کمک مترجم به او گفتم وقتی شما یک جمله را به زبان خودتان می‌گویید، ما مجبوریم به جایش ۴ صفحه حرف بزنیم! او معتقد بود که صدا و بیان را باید تربیت کرد منتها با روش‌های مفید: «در هر حال عقیده‌ای به این ندارم که طرف برود سیگار بکشد یا قلیان بکشد تا صدایش خوب و خاص بشود. هیچ وقت هم چنین چیزی را توصیه نمی‌کنم. حرف من این است که زندگی با طبیعتی که خداوند به تو اعطا کرده، راحت‌تر است. چرا آدم از خودش بیرون بزند. همان باش که قرار است باشی! همیشه به دوستان و اطرافیانم توصیه می‌کنم، شاهنامه بخوانند. این را می‌گویم چون خودم از شاهنامه خیر زیادی دیده‌ام. شاهنامه فردوسی را بلند بلند می‌خواندم و تمرین می‌کردم. کسی که می‌خواهد وارد کار گویندگی شود، شاهنامه را در یک اتاق یا مکان مناسب دیگر، با صدای بلند بخواند و کلمات را سفت و محکم ادا کند. این گونه فک و صدای شما باز می‌شود.»

[•••]

همیشه به دوستان و اطرافیانم توصیه می‌کنم، شاهنامه بخوانند. خودم از شاهنامه خیر زیادی دیده‌ام. شاهنامه فردوسی را بلند بلند می‌خواندم و تمرین می‌کردم. کسی که می‌خواهد وارد کار گویندگی شود، شاهنامه را در یک اتاق یا مکان مناسب دیگر، با صدای بلند بخواند و کلمات را سفت و محکم ادا کند. این گونه فک و صدای شما باز می‌شود

وقتی وارد دوبله شدم سه ماه بود مدرسه می‌رفتم!

زهره شکوفنده

این دوبلور را با صداپیشگی‌اش در بابالنگ دراز، رامکال، دلیر و ... حتما به خاطر خواهید آورد. مسیر دوبلوری او زمانی شروع شد که دانش‌آموز بود!

شکوفنده با اشاره به این که دوست دارد همه با نقش‌هایش او را به خاطر بیاورند در گفت‌وگوهای خود درباره روزهایی می‌گوید که دوبله را شروع کرده است: «هنگامی که وارد دوبله شدم سه ماه بود که مدرسه می‌رفتم. بنابراین به خوبی نمی‌توانستم بخوانم و بنویسم. استادم آقای هوشنگ لطیف‌پور دیالوگ‌ها را در گوش من می‌گفتند. سپس من ادا می‌کردم. من به عشق چلوکباب‌های ظهر به دوبله آمدم. دوست داشتم ساندویچ و چلوکباب بخورم. نمی‌دانستم دوبله چیست. حتی گاهی هنگام ضبط به جای گفتن نقش خودم، دیالوگ گفتن برخی دوبلورها را نگاه می‌کردم و این کار موجب خنده آنان می‌شد.» او با اشاره به ۱۶ سالگی خود می‌گوید: «در آن زمان بازیگرانی بودند که همیشه من به جای آن‌ها حرف می‌زدم اما پس از چند سال بازیگران بزرگ شده بودند، ولی صدایم بچه باقی مانده بود. بنابراین از دوبلورهای دیگر برای صحبت به جای آن بازیگران استفاده می‌کردند و این کار موجب گریه کردن من می‌شد. آقای لطیف‌پور در این زمان به من پیشنهاد کردند که اگر می‌خواهی که کار تو فقط به گویندگی به جای بچه‌ها منحصر نشود باید تلاش کنی که از این به بعد به جای بچه‌ها صحبت نکنی تا صدایت شکل بگیرد. بنابراین شش ماه اصلا کار نکردم و با فیلم‌های «لیلی و مجنون» و «اشک و لبخندها» شروع به گویندگی به جای بازیگران بزرگ‌سال کردم.»

دور دنیا

هاشیما؛ جزیره جیمزباندیِ ژاپن

جزیره هاشیما که به نام «گنبدی» یا «جزیره بوفالو» هم شناخته می‌شود، یکی از جزایر مشهور و افسانه‌ای ژاپن است که در دریای ژاپن و در نزدیکی شهر ناکازاکی واقع شده است. این جزیره به خاطر تاریخچه صنعتی و معماری خاص‌ش و ظاهر متروکه و تخریب شده‌اش، به عنوان یک مقصد گردشگری منحصر به فرد شناخته می‌شود.

جزیره هاشیما در اواسط قرن نوزدهم میلادی به عنوان یک مرکز استخراج زغال‌سنگ تأسیس شد. در اوایل قرن بیستم، با افزایش تقاضا برای زغال‌سنگ، جمعیت جزیره به سرعت افزایش یافت و به اوج خود رسید و به یکی از متراکم‌ترین مناطق مسکونی جهان تبدیل شد. ساختمان‌های مسکونی، مدارس، فروشگاه‌ها و حتی یک بیمارستان در این جزیره ساخته شد. به تدریج با کاهش تقاضا برای زغال‌سنگ، فعالیت‌های استخراج متوقف و در سال ۱۹۷۴، جزیره به طور رسمی تخلیه شد. پس از تخلیه، جزیره به تدریج به حال خود رها شد و ساختمان‌ها و زیرساخت‌های آن دچار فرسایش و تخریب شدند.

ساختمان‌های بتنی و متروکه که روزگاری محل زندگی کارگران بودند، اکنون به نماد غم و اندوه و فراموشی تبدیل شده‌اند. این ساختمان‌ها شامل آپارتمان‌ها، کارخانه‌ها و دیگر تأسیسات صنعتی هستند که در حال حاضر پوشیده از گیاهان و علف‌های هرز شده‌اند. یکی از ویژگی‌های جالب جزیره هاشیما، دیوارهای بلند و مستحکم آن است که به عنوان یک سد در برابر توفان‌ها و امواج دریا عمل می‌کردند.

[•••]

جزیره هاشیما محل فیلم‌برداری یکی از مجموعه فیلم‌های جیمز باند بوده و این موضوع باعث شهرت جزیره شده است

جزیره هاشیما در سال ۲۰۰۹ به عنوان یک میراث جهانی یونسکو ثبت شد و از آن زمان توجه گردشگران زیادی را به خود جلب کرده است. بازدیدکنندگان می‌توانند با قایق به جزیره بروند و از نزدیک با تاریخچه و زیبایی‌های متروکه آن آشنا شوند.

این جزیره همچنین محل فیلم‌برداری فیلم «اسکای‌فال» (Skyfall) از مجموعه فیلم‌های جیمز باند بوده است. این فیلم باعث افزایش شهرت جزیره شد و آن را به یک مکان جذاب برای دوستداران سینما تبدیل کرد. جزیره هاشیما یادآور تغییرات اجتماعی و اقتصادی در طول تاریخ است و همچنان جذابیت خود را برای نسل‌های آینده حفظ خواهد کرد.

کارگاه

همکلاسی شدن با هوش مصنوعی

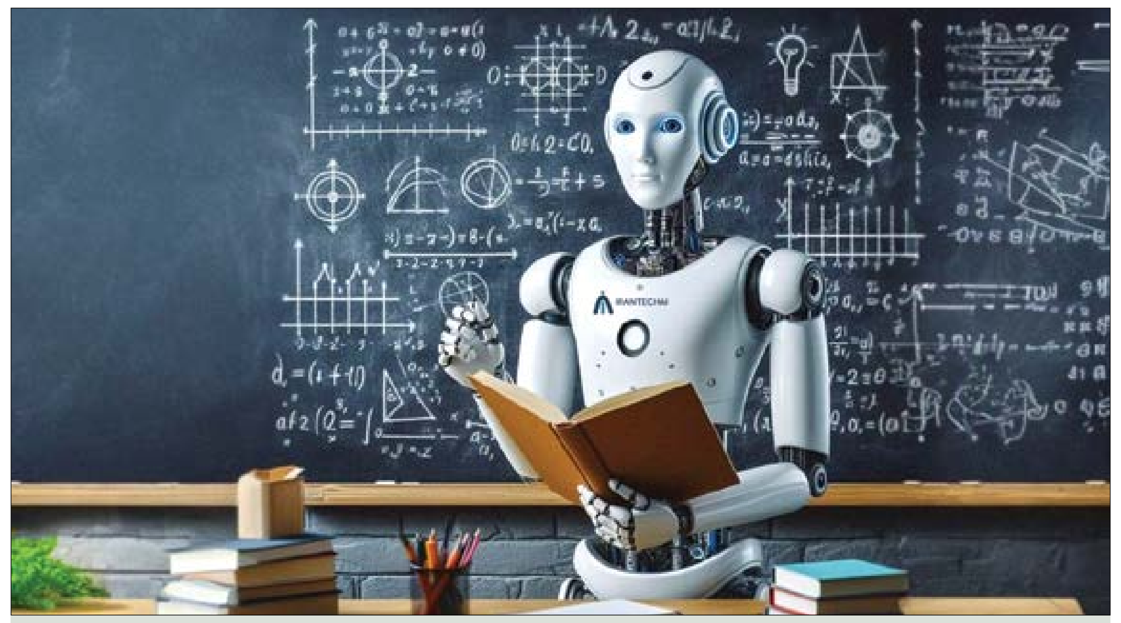

همه ما می‌دانیم که درس خواندن و یادگیری می‌تواند گاهی اوقات سخت و خسته‌کننده باشد. اما اگر به شما بگوییم که هوش مصنوعی می‌تواند به شما در درس‌هایتان کمک کند، چطور؟ بیایید ببینیم چگونه می‌توان از این فناوری پیشرفته در یادگیری و درس‌خواندن استفاده کرد.

۱ منابع آموزشی متنوع

هوش مصنوعی می‌تواند به شما کمک کند که به منابع آموزشی متنوعی دسترسی پیدا کنید. با استفاده از پلتفرم‌های آنلاین، می‌توانید ویدئوها، مقالات و دیگر محتوای آموزشی را پیدا کنید که به شما در فهم درس‌هایتان کمک می‌کند. این منابع می‌توانند شامل بخش‌های آموزشگاهی، ویدئوهای پراهمیت و حتی پادکست‌های آموزشی باشند که همه می‌توانند به شما کمک کنند تا مفاهیم را بهتر درک کنید.

۲ تمرین و امتحانات آنلاین

هوش مصنوعی همچنین می‌تواند شما را در آماده شدن برای امتحانات کمک کند. بسیاری از پلتفرم‌ها و وب‌سایت‌ها، امتحانات و تمرینات آنلاین دارند که بر اساس موضوعات درسی شما، چالش‌های متنوعی را ارائه می‌دهند. این به شما این امکان را می‌دهد که توانایی‌هایتان را آزمایش کنید و در صورت نیاز به تمرین بیشتر، به آن بپردازید.

۳ مطالعه فعال با استفاده از هوش مصنوعی

به جای این که فقط کتاب را بخوانید، از یک چت‌بات هوش مصنوعی استفاده کنید. از آن بخواهید خلاصه‌ای از هر پاراگراف را برایتان بنویسد یا سوالاتی از متن بپرسد. این کار باعث می‌شود فعالانه درگیر مطالب شوید و بهتر یاد بگیرید. فرض کنید در حال خواندن یک فصل از کتاب تاریخ هستید، از چت‌بات بپرسید: «خلاصه مهم‌ترین نکات این صفحه چیست؟»

۴ پیدا کردن مثال‌های بیشتر و عمیق‌تر

اگر در درک یک مفهوم خاص مشکل دارید، از هوش مصنوعی بخواهید مثال‌های بیشتری ارائه دهد. می‌توانید مشخص کنید که مثال‌ها باید در چه زمینه‌ای باشند (مثلاً مثال‌های عملی یا مثال‌های ساده و قابل فهم). مثلا اگر مفهوم «تورم» را در اقتصاد نمی‌فهمید، از هوش مصنوعی بپرسید: «مثال‌های ساده‌ای از تورم در زندگی روزمره بزن» یا «چگونه تورم می‌تواند روی پس‌انداز من تاثیر بگذارد؟»

۵ برنامه‌ریزی درسی شخصی

از هوش مصنوعی بخواهید بر اساس زمان‌بندی و اهداف شما یک برنامه درسی شخصی‌سازی‌شده ایجاد کند. می‌توانید به آن بگویید که چه درس‌هایی دارید، چقدر زمان برای مطالعه دارید و چه نمره‌ای می‌خواهید بگیرید. به طور مثال به هوش مصنوعی بگویید: «من درس ریاضی، علوم و تاریخ دارم. روزی ۲ ساعت وقت برای مطالعه دارم و می‌خواهم در امتحان نمره بالایی بگیرم. یک برنامه درسی برایم طراحی کن.»

۶ آماده شدن برای امتحان با سوالات شبیه‌سازی شده

از هوش مصنوعی بخواهید سوالات امتحانی شبیه‌سازی شده بر اساس مباحث درسی شما تولید کند. این کار به شما کمک می‌کند تا نقاط ضعف خود را شناسایی کنید و برای امتحان آماده شوید. مثال: به هوش مصنوعی بگویید: «از فصل ۳ کتاب علوم سوالات تستی برای امتحان طرح کن.»

نکته‌های مهم

- * همیشه به یاد داشته باشید که هوش مصنوعی یک ابزار است، نه یک جایگزین برای تلاش و یادگیری.
- * از هوش مصنوعی به عنوان یک منبع کمکی استفاده و سعی کنید خودتان مطالب را یاد بگیرید.
- * از ترکیب هوش مصنوعی با روش‌های سنتی یادگیری (مانند مطالعه کتاب، شرکت در کلاس و پرسیدن از معلم) بهترین نتیجه را خواهید گرفت.

با استفاده از این روش‌ها، می‌توانید هوش مصنوعی را به یک همیار قدرتمند در مسیر یادگیری خود تبدیل کنید و در درس‌هایتان موفق‌تر باشید.

بدانیم

من بدنم را دوست دارم، تو چطور؟!

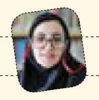

فائزه مهاجر | مترجم

آیا تا به حال آرزو کرده‌ای که بتوانی چیزی را در بدن خود تغییر دهی؟ اگر این‌طور است، فقط تنها تو نیستی. بسیاری از مردم از بخشی از ظاهر خود احساس نارضایتی می‌کنند. اما وقتی به چیزی که دوست نداریم اهمیت بدهیم، واقعاً عزت نفس ما پایین می‌آید. برای داشتن تصویر بدنی خوب نیازی به داشتن اندامی عالی نیست. وقتی بدن خود را همان‌طور که هست دوست داشته باشیم، هم تصویر بدن خود را تقویت کرده‌ایم و هم عزت نفس‌مان را. اما تصویر بدن چه معنی برای ما دارد؟ تصویر بدن روشی است که درمورد بدن خود فکر می‌کنیم که شامل افکار و احساسات ما درباره آن است. این می‌تواند خوب یا بد باشد و هر از گاهی تغییر کند.

چطور می‌توانم ظاهرم را بپذیرم؟

برخی افراد فکر می‌کنند برای داشتن تصویر بدنی خوب باید اندام بهتری داشته باشند. آن‌ها تصور می‌کنند، «وقتی به فرم بهتری برسم، می‌توانم بدنم را دوست داشته باشم.» اما بهتر است برعکس شروع کنید. اول خودت را بپذیر. در ادامه چند راهکار برای این که بتوانی خودت را بپذیری با هم مرور می‌کنیم:

هیچ کس کامل نیست| فراموش نکن همه افراد «نقص» دارند، حتی افرادی که به ظاهر ایده‌آل هستند. بنابراین بدن خودرا آن‌طور که هست ببین نه آن‌طور که می‌خواهی باشد.

به خاطر بدنت شرمنده نباش| وقتی درباره بدن خود اظهار نظرهای تند می‌کنی، به عزت نفس خود آسیب می‌رسانی. مهم است چه چیزی را با صدای بلند بگویی یا با خودت فکر کنی، چون می‌تواند به همان اندازه که شخص دیگری آن را گفته باشد دردناک باشد. از خودت بپرس، «آیا با بهترین دوستم این طور صحبت می‌کنم؟» با خودت مانند یک دوست خوب رفتار کن.

خودت را با دیگران مقایسه نکن| ضرب‌المثلی می‌گوید: «مقایسه، دزد شادی است». چیزهایی را درباره بدن خود پیدا کن که دوست داری و برای همه کارهای بزرگی که می‌تواند انجام دهد، سپاسگزار باش.

تعریف و تحسین را بپذیر| وقتی کسی از تو تعریف و تمجید می‌کند، به جای این که حرف‌های گفته شده را باور نکنی، بگو «متشکرم».

چطور می‌توانم بدنم را دوست داشته باشم؟

وقتی بدن خود را بپذیری، می‌توانی یاد بگیری آن چه را که داری دوست داشته باشی. به طور مثال:

چیزهایی را درباره ظاهر خود پیدا کن| هر بار که در آینه نگاه می‌کنی، حداقل دو چیز را درباره خودت پیدا کن. موها، صورت یا دستان. شکل بدن، شانه‌ها یا پاها، چشمان یا لبخندت. عادت کن به خودت بگویی چه چیزی را دوست داری و چرا.

روی کارهایی که بدن تو می‌تواند انجام دهد، تمرکز کن| چیزهایی غیر از ظاهر هم در بدن وجود دارد که ارزشمند است. وقتی ورزش می‌کنی، پیاده‌روی، دویدن یا حتی شنا کردن. این بدن توست که در حال انجام این کارهاست. وقتی از خوشحالی فریاد می‌کشی، وقتی از کوه بالا می‌روی یا وقتی از ارتفاع می‌پری، بدنت در کنار توست. برای همه این‌ها سپاسگزار باش.

نسبت به بدن خود آگاه باش| در طول روز به بدن خود توجه کن. از احساسی که هنگام راه رفتن، دویدن و بازی داری، لذت ببر. زمانی که به غذا یا استراحت نیاز دارد به آن گوش بده. چیزهایی مانند یوگا می‌تواند به تو کمک کند بدن خود را با دقت بیشتری مشاهده کنی و به تو یاد می‌دهد که به بدن خود بیشتر توجه کنی.

بدون شرح

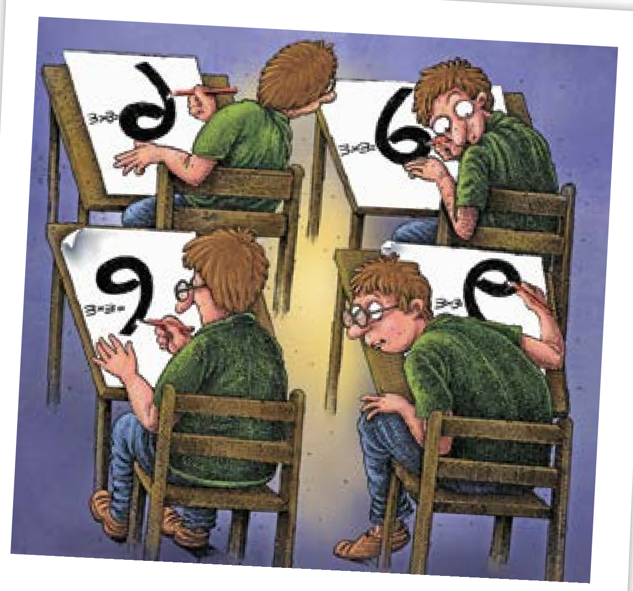

اثری از: عماد صالحی

پیشنهاد

خانم شاعر، آقای بتهوون

نویسنده: مژگان بابامرندی
تصویرگر: امیر مفتون
انتشارات: پیدایش

عفت زینلی | روزنامه‌نگار

پیرمرد گفت: «زمین ما سه چیز زیاد دارد: چاله و ماشین و بوق... و چند چیز کم دارد: مهربانی و یک عالم روزهایی که آدم باید استراحت کند و یک عالم آرزوهای دیگر.»

پیرمرد داستان «نوبت شمس العماره تمام شد» این جمله‌ها را به رویا می‌گوید. پیرمرد یک دستفروش است که رویا وقتی دارد از مدرسه برمی‌گردد، او را می‌بیند. رویا به او کمک می‌کند که گره کور کیسه سیب را باز کند. دو تا از سیب‌های پیرمرد می‌افتند. یکی نزدیک پای رویا و دیگری نزدیک ایستگاه اتوبوس. رویا سیب‌ها را برمی‌دارد و به پیرمرد می‌دهد. پیرمرد برای تشکر یکی از سیب‌ها را به رویا می‌دهد اما...

این داستان یکی از داستان‌های کتاب «خانم شاعر و آقای بتهوون» است.

این مجموعه شامل ۹ داستان کوتاه است که در هر کدام از این داستان‌ها، با یک نوجوان و گوشه‌هایی از زندگی و احساسات او آشنا می‌شویم. در داستان پایانی مجموعه گاهی بهناز (خانم شاعر) و گاهی بهنام (آقای بتهوون) راوی داستان می‌شوند.

شخصیت‌های نوجوان این مجموعه، دوست داشتنی هستند چه آن‌ها که بازیگوش‌اند، چه آن‌ها که غمی بزرگ دارند، چه آن‌ها که احساس می‌کنند کسی حرف‌هایشان را درک نمی‌کند و چه آن‌ها که مثل سروناز در فیلم «کلاه قرمزی و سروناز» خیال‌بافی می‌کنند.

بگونگو

هر ایرانی یک‌بار حضور در نیمکت استقلال

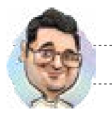

دانیال دایی داوودابنا | طنزپرداز

جوانه نتیجه دربی امروز رو چی پیش‌بینی می‌کنی؟
از نتیجه مطمئن نیستم، اما از وجود حاشیه مطمئنم، اگه بازی حاشیه داوری نداشت بیا بزن تو گوش من.

جوانه، چرا وقتی می‌ریم آرایشگاه می‌گیم «همون مدلی که دفعه پیش زدی رو بزن بی‌زحمت» اما باز هم بعدش از نتیجه کاملاً جا می‌خوریم؟
عزیزم چون ما همون مدل رو یادمون نیست، آرایشگر هم یادش نیست، کلاً کسی یادش نیست. نکته مهم‌تر اینه که وقتی آرایشگر می‌پرسه خوبه؟ راضی بودی؟ می‌گیم آره!

جوانه، چرا شارژ گوشی وقتی توی اینستا هستیم زود تموم می‌شه، ولی وقتی کتاب شیمی رو باز می‌کنیم هیچی کم نمی‌شه؟
به‌خاطر عدالت اینترنتی! دنیا می‌خواد بگه بچه‌جان، به جای استوری گذاشتن برای گل و بلبل، برو استوکیومتری بخون. ولی خب، راستش این فقط یه توطئه پاوربانک‌هاست که بیشتر بفروشن.

چرا وقتی تصمیم می‌گیریم شب زود بخوابیم تا ۳ صبح خواب‌مون نمی‌بره؟ ولی وقتی باید تا دیروقت درس بخونیم، ساعت ۹ از پا می‌افتیم؟
این قانون جهانیه! خواب همیشه می‌خواد ثابت کنه زورش به همه چیز می‌رسه. به خصوص به امتحان صبح زودی که ازش فراری هستی.

جوانه دقت کردی استقلال لیگ رو با نکونام شروع کرد، با بختیاری‌زاده ادامه داد، بعد رفت سراغ موسیمانه، بعد باز بختیاری‌زاده، در ادامه نوازی، بعد شب گفتن فیروز کریمی شده مربی، اما صبحش یکهو بوژوویچ شد سرمربی!
خلاصه یک جای خوب پناه بگیرین وگرنه در خطر این هستین که هیئت مدیره استقلال یک حکم سرمربیگری برای شما بزنه تا شعار هر ایرانی یک‌بار نیمکت آبی محقق بشه.

جوانه، چرا وقتی می‌گیم رژیم داریم، همه مهمونی‌ها پر از غذاهای خوشمزه می‌شه، اما وقتی رژیم‌مون تموم می‌شه، فقط سالاد و کوکو می‌بینیم؟
این قانون کیهانی مهمونی‌هاست؛ چون کائنات با ما لج داره.

جوانه، دقت کردی هر کی تو صف نونوایی وایسه، صف بعد از اون سریع‌تر می‌ره؟
این تئوری اثبات‌شده‌ایه! هر جا وایسادی، اونجا می‌شه پرترافیک‌ترین نقطه ممکن. تازه، نونوا هم با نفر بغلیت رفیق درمیاد و براش نون داغ می‌زنه.

خانم میلو نور دارای کد ملی ۰۹۲۷۶۷۶۴۴۲ صادره از مشهد متولد مشهد فرزند عبدالله اظهار می دارد که دانشنامه پایان تحصیلات مقطع کارشناسی ایشان مفقود شده است لذا به موجب این آگهی دانشنامه مذکور ابطال می شود. از یابنده تقاضا می شود مدرک فوق را از طریق پست به نشانی مشهد - پردیس دانشگاه فردوسی مشهد - مدیریت امور آموزشی - اتاق ۱۱۳ ارسال و یا در صورت امکان تحویل نماید
مدیریت آموزشی دانشگاه فردوسی مشهد
۱۲۳۴۹